

# اصول پایه‌ای و عناصر کلیدی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت از منظر اسناد فرادستی نظام ج.ا.ایران

محمد خوش‌چهره\*

نیک‌بخش حبیبی\*\*

## چکیده

پیشرفت عبارت است از فرآیند بهبود یعنی حرکت از وضعیت موجود به سمت وضعیت مطلوبی همه‌جانبه و فراگیر در همه ابعاد اجتماعی اقتصادی که برای رسیدن به جامعه مطلوب در این مسیر و در نتیجه این فرایند می‌بایست جامعه به سمت از میان برداشتن مواردی مانند فقر مادی و حتی فقر معنوی، تبعیض و بی‌عدالتی، عدم امنیت مادی و معنوی و (حتی مواردی مانند کاهش وابستگی‌های نافی استقلال و عزت ملی و ...) نهایتاً ارتقاء سطح رفاه، بهبود سطح عمومی زندگی و تعالی معنوی حرکت کند. هر الگویی برای مدل‌سازی پیشرفت، زمانی می‌تواند به صورت ساختارمند ماندگار شود که دارای یک چارچوب معرفت‌شناختی باشد. فهم این نظام معرفتی، کلید شکل‌گیری این الگو به شمار می‌رود. اصول پایه‌ای و عناصر کلیدی مرتبط با الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت جمهوری اسلامی ایران، برگرفته از نظام معرفتی و احکام حاکم بر اسناد فرادستی و راهبردی همچون قانون اساسی، سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی نظام اسلامی است. در این پژوهش با بررسی این اسناد، تلاش خواهد شد تا با روش کیفی نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، اصول پایه‌ای و عناصر کلیدی این الگو کشف و ارائه گردد.

## واژگان کلیدی

الگوی اسلامی ایرانی، پیشرفت، عدالت، اصول پایه‌ای، عناصر کلیدی، نظریه‌پردازی داده‌بنیاد

Email: m.khoshchehreh@gmail.com

\* استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

\*\* دانشجوی دکترای مدیریت استراتژیک دانشگاه عالی دفاع ملی، عضو هیئت علمی دانشگاه هوایی

Email: nikbash@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۲/۰۲

www.SID.ir  
تاریخ ارسال: ۹۰/۰۷/۰۷

## مقدمه

جمهوری اسلامی ایران به دنبال ایجاد جامعه مطلوب و استقرار تمدنی اسلامی - ایرانی است. قطعاً الزامات چنین آرمانی، تبیین الگوی مربوطه به خود یعنی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت است. این موضوع به دلیل برخورداری از مؤلفه‌های کلان بنیادی (به عنوان جامعه آرمانی) و هدف استراتژیک و کلان، لاجرم از جمله شئونات مرتبط به رهبری نظام است که به تبع آن تعیین اهداف مشخص کمی و اهداف میانی و هدف‌های جزئی از جمله وظایف سطوح نظام سیاست‌گذاری (قانون‌گذاری) برنامه‌ریزی صورت می‌پذیرد.

الگو<sup>۱</sup> از لحاظ لغوی، به مفهوم سرمشق، مُقتدی و اُسوه معنا شده و در اصطلاح عبارت است از بیان یک و یا چند واقعیت به هم مرتبط توسط نمادهای مختلف نوشتاری، ترسیمی یا فیزیکی (عزتی، ۱۳۸۸، ص ۱۸۲).

الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ج.ا.ایران طبق تبیین و تأکید رهبر معظم انقلاب در راستای تحقق پیشرفتی پایدار در عرصه کلان ملی می‌باشد که مدل آن مبتنی بر کلیدی‌ترین و مهم‌ترین عناصر تشکیل‌دهنده

آن که بر اساس معرفت‌شناسی و خاصه انسان‌شناختی انسان است که خود با لحاظ تفکر و ابتکار ایرانی و با توجه به مقتضیات بومی و قابلیت‌های ملی شکل می‌گیرد. این الگو می‌تواند به عنوان راهنمای پیشرفت و توسعه کشور مورد استفاده قرار گیرد.

امروزه محققان در پی آن هستند که علاوه بر اصول و نتایج مدنیت غربی یعنی روح خطرپذیری، ابتکار، اقدام و انضباط، به تعبیر رهبر معظم انقلاب به مؤلفه‌های دیگری از قبیل عدالت اجتماعی، معنویت دینی و هم‌گرایی انسانی نیز دست بیابند (در دیدار استادان و دانشجویان کردستان ۱۳۸۸/۰۲/۲۷).

یکی از مهم‌ترین وجوه گفتمان پیشرفت ملی، تأکید بر درون‌زایی، بومی و سازگار بودن الگوی پیشنهادی با حقایق، واقعیات و با خواسته‌ها و آرمان‌های ملی منعکس شده و برخاسته از متن راهبردی قانون اساسی خود است. بدان دلیل که هر کشوری واقعیاتی و هر ملتی خواسته‌هایی دارد که می‌توانند از واقعیات کنونی و آرمان‌های آینده ملت‌ها و کشورهای دیگر متفاوت و متمایز باشند و همین اصل تردیدناپذیر ایجاد خواهد کرد که هر کشور و ملتی به دنبال الگوی ویژه و رویکرد سازگار و متناسب‌گزینه مناسب

بیش از هر چیز نیازمند انطباق اصول پایه‌ای و عناصر کلیدی آن با مستندات راهبردی از قبیل قانون اساسی، سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی ابلاغی می‌باشد.

## ۱- روش، اهداف و ضرورت

### تحقیق

هدف این تحقیق، شناخت و استخراج اصول پایه‌ای و عناصر کلیدی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت ج.ا.ایران، با طرح این سؤال و پرسش اساسی است که اصول و عناصر این الگو با تکیه بر مفاهیم و مقوله‌های اصلی مستندات راهبردی نظام اسلامی کدام است؟ ضرورت و اهمیت این تحقیق در این است که ردیابی و شناسایی این اصول و عناصر در متن و مواد ذکرشده در این مستندات می‌تواند راهنمایی تدوین الگوی جامع اسلامی ایرانی پیشرفت کشور قرار گیرد. دستاوردهای حاصل از نتایج آن، می‌تواند با فراهم آوردن زمینه‌های مشخص، مساعدت لازم را همچنین برای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در این زمینه برای تحقق اهداف ملی مورد نظر مرتبط با این الگو ایجاد نماید.

تحقیق به دلیل برخورداری از فرآیند نظریه‌پردازی از نوع بنیادی می‌باشد، که با استفاده از روش تحقیق کیفی نظریه‌پردازی

خویش باشد و با استفاده از آموخته و تجارب دیگر دولت‌ها و ملت‌های کنونی و گذشته، به طرح‌ریزی، برنامه‌ریزی و راه‌نگاری پیشرفت و دادگری برای آینده خویش بر پایه واقعیات انحصاری خود و در راستای آرمان‌های اختصاصی خود پردازد.

الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ملی (بومی) به دلیل چند بعدی و فوق رشته بودن، از مفاهیم رشته‌های مختلف علوم اجتماعی، جامعه‌شناسی ساختار یافته است که به شدت از ارزش‌های اساسی دینی و الهی متأثر است. این الگو همچنین پیشرفت ملی را به گونه‌ای تعریف می‌کند که رسیدن به هدف‌های عالی‌ه حیات طیبه انسان را در هر دو بعد مادی و معنوی تسهیل ببخشد، بدون آنکه بخواهد امکانات و قابلیت‌ها و محدودیت‌های مادی و معنوی نظام اجتماعی ایران را نادیده بگیرد.

الگوی نظری پیشرفت ملی (بومی) جمهوری اسلامی ایران یک الگوی بهینه‌سازی شده با هدف کمک به سیاست‌گذاران کلان کشور در فرآیند تصمیم‌گیری می‌باشد.

طراحی الگوی مطلوب اسلامی ایرانی پیشرفت ملی سازگار با قابلیت‌ها و ظرفیت‌های نظام ملی جمهوری اسلامی ایران

داده‌بنیاد<sup>۲</sup> انجام شده است. جامعه آماری این تحقیق، مجموعه مستندات راهبردی یا اسناد فرادستی ج.ا.ایران یعنی قانون اساسی، سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی نظام می‌باشد. ابزار و روش‌های گردآوری اطلاعات روش اسنادی، از طریق بررسی مستندات راهبردی کشور است. تحلیل داده‌های کیفی در بخش نظریه‌پردازی تحقیق از تبیین نظری با استفاده از روش استدلال منطقی تلفیقی از روش قیاس و استقرا استفاده می‌شود.

در این مقاله، طی فرآیند تبیین نظری با استفاده از روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، محقق تلاش می‌کند با بررسی این مستندات به آشکارسازی و هویداسازی اصول پایه‌ای و عناصر کلیدی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت کشور اقدام نماید.

## ۲- چارچوب مفهومی

چارچوب مفهومی و نظری تحقیق، بر اساس روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد استوار است. کریس ول (۲۰۰۵)، نظریه‌پردازی داده‌بنیاد را رهیافتی برای بررسی نظام‌مند (غالباً داده‌های کیفی) نظیر متون قابل مشاهده با هدف تولید نظریه می‌داند. هنگامی می‌توان به سراغ استفاده از نظریه‌پردازی

داده‌بنیاد رفت که محقق نیازمند یک نظریه یا تبیین کلی اجمالی از یک فرآیند است (Creswell, 2005, p.396).

در این روش، گردآوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل آنها در یک رابطه متقابل با یکدیگر قرار دارند، تحقیق را هرگز از یک نظریه شروع نمی‌کنند و بعد آن را به اثبات برسانند، بلکه از یک حوزه مطالعاتی شروع شده و فرصت داده می‌شود تا آنچه که متناسب و مربوط است، خود را نشان دهد (Strauss & Corbin, 1990, p.22).

اقدامات اساسی شامل جمع‌آوری داده‌ها (نمونه‌برداری نظری)، کدگذاری (تحلیل مضمونی یا پردازش)، مفهومی‌سازی، مقوله‌بندی و مدل‌سازی را در این روش تحقیق کیفی که مورد توافق اندیشمندان این روش است، مهم می‌دانند (دانایی‌فرد و امامی، ۱۳۸۶، ص ۷۶).

روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد با تعریف هدف و سؤال تحقیق آغاز می‌شود و سپس به نمونه‌گیری جهت‌دار یا نظری می‌پردازد. در تحقیق کیفی نمونه داده‌ها به صورت جهت‌دار به این امر کمک می‌کند تا نمونه‌های انتخاب‌شده همواره متوجه تئوری در حال شکل‌گیری باشد. نمونه‌گیری جهت‌دار، فرایند جمع‌آوری داده برای تحلیل

می‌آید در قالب جداولی سیر تکاملی خود را طی می‌کنند. در این تحقیق، برای شناسایی مضامین برگرفته از قانون اساسی از نشانه «پ»؛ و برای شناسایی مضامین برگرفته از چشم‌انداز ۲۰ ساله و سیاست‌های کلی به ترتیب از نشانه‌های «ت» و «ث» و برای نشان دادن بندهای هر زیرکد در صورت لزوم از اعداد مطابق نگاره شماره (۱) استفاده شده است.

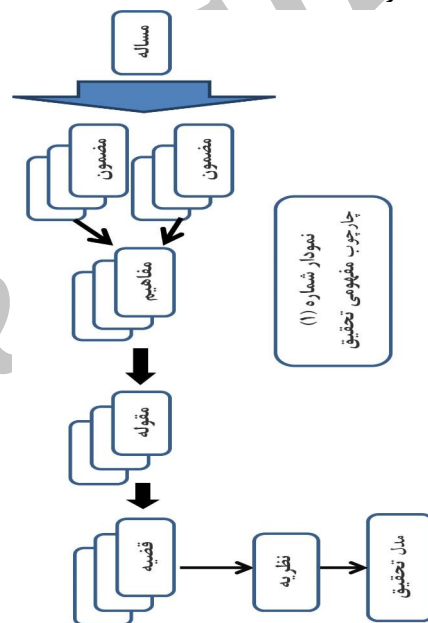
### نگاره شماره (۱) - کدگذاری و اولویت‌بندی

ردیف		سند	اولویت	کد
۱		قانون اساسی	۱	پ شماره اصول
۲		چشم‌انداز ۲۰ ساله	۲	ت شماره فراز
۱	۳	سیاست‌های کلی نظام	۲	ث سیاست‌های کلی
۲				سیاست‌های برنامه دوم
۳				سیاست‌های برنامه سوم
۴				سیاست‌های برنامه چهارم
۵				سیاست‌های برنامه پنجم
۶				سیاست‌های اصل ۴۴

همان‌طور که در چارچوب مفهومی تحقیق نشان داده شد، هر مضمون در پژوهش داده‌بنیاد باید دارای یک نشانگر

مقایسه‌ای است که با هدف تسهیل شکل‌گیری نظریه به کار گرفته می‌شود (دانایی‌فرد و امامی، ۱۳۸۶، ص ۷۸).

برای دستیابی به مدل و نظریه نهایی، تحقیق مستلزم جمع‌آوری و تحلیل هم‌زمان و زنجیره‌وار داده‌ها برای شکل‌گیری مفاهیم<sup>۳</sup>، مقوله‌ها<sup>۴</sup> و قضیه‌های<sup>۵</sup> تحقیق مطابق نمودار شماره (۱) است.



در روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد این عناصر بدین ترتیب به وجود می‌آیند که ابتدا سؤال پژوهش مطرح می‌شود و سپس برای پاسخ به این سؤال، داده‌های لازم جمع‌آوری می‌شود. داده‌هایی که از منابع اطلاعاتی به دست

3. Concept  
4. Category  
5. Proposition

منحصر به فرد باشد، تا با آن شناخته شود و بتوان قابلیت ارجاع دهی به آن را در مراحل بعدی به شیوه‌ای سریع و سهل فراهم نمود. از این نشانگرها در مراحل مفهوم‌سازی و مقوله‌بندی استفاده می‌شود تا هر یک از مفاهیم و مقولات مستند گردند. برای پرهیز از تکرار یک مضمون در مراحل بعدی و طولانی‌شدن جداول، به جای نوشتن مضمون از نشانگر(کد) استفاده می‌شود. نشانگر متشکل از چند حرف یا عدد خواهد بود که هر یک از اجزای آن به صورت اختصاری به مطلبی دلالت دارد. بدیهی است که این نشانگر باید منحصر به فرد باشد، تا مضمون را قابل ردیابی نماید.

مفهوم‌سازی، فرآیندی ذهنی و خلاقانه است که با هدف انتزاع مشترکات مفهومی از میان عینیت‌های متعدد و مشابه صورت می‌گیرد. برای این کار ابتدا باید مضامین براساس اشتراک لفظی یا معنوی دسته‌بندی شده، یک مضمون اخذ گردد. مهم این است که مفهوم مورد نظر از سوی تحلیلگر ساخته می‌شود و نسبت به مضامین از کلیت و جامعیت برخوردار باشد.

پس از مفهوم‌یابی یا مفهوم‌سازی سعی در مقوله‌بندی یعنی به کشف روابط میان مفاهیم و ترسیم آنها می‌پردازیم. این کار

تحلیل‌های بعدی ما را در ساخت قضیه‌ها و نیز مدل‌سازی تسهیل و تسریع می‌نماید. برای این منظور نخست به دسته‌بندی مفاهیم می‌پردازیم. دسته‌بندی بر اساس اشتراک معنایی و مجانست مفاهیم با یکدیگر است. البته سعی شد این مجانست (وجه شبه) و نزدیکی معنایی مفاهیمی که یک مقوله می‌گنجند با تعریف عملیاتی از آن مقوله تبیین شود تا به عنوان ضابطه و مبنای ادامه مقوله‌بندی مورد استفاده قرار گیرد (یاوری و همکاران، ۱۳۸۹).

در گام بعدی محقق با ترکیب و تلفیق هدف‌دار از تحلیل نمونه‌های داده‌ها از اسناد به دست‌آمده تلاش کرده است تا به مقوله‌های مرتبط با موضوع تحقیق یعنی اصول و عناصر کلیدی دست پیدا کند. درحقیقت برای افزایش جامعیت مقوله‌های کشف‌شده می‌توان به دنبال مفاهیم بیشتر از نمونه‌های بعدی در همین اسناد برآمد. این امر در ادبیات نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، کفایت نظری نامیده می‌شود. این کار به صورت تدریجی و تکاملی صورت گرفته است. نتیجه این مرحله دستیابی به تعدادی مقوله است.

قضیه‌ها، بیانگر روابط تعمیم‌یافته بین یک مقوله و مفاهیم آن با مقوله‌های دیگر است. در قضیه‌ها یکپارچه‌سازی موضوعی

معنویت‌گرایی را به توسعه تعمیم داده است. در همین راستا مفهوم "پیشرفت اجتماعی" دلالت بر رشد و توسعه کیفی زندگی در همه ابعاد مادی و معنوی آن دارد.

در این فرایند، تأمین خواسته‌های مادی و معنوی (جسمی و روحی) انسان، رشد و تعالی فرد و جامعه در کنار هم و توأمان مطرح است. پیشرفت در این تلقی متکی بر ترکیب منطقی عقل و وحی، فرآیندی جهت‌دار است که هدف نهایی آن رساندن انسان به کمال نهایی تا تحقق الهی گونه‌ای شدن او در زمین یا همان "قرب الی‌الله" می‌باشد، که با شکوفا شدن کلیه استعدادهای درونی انسان، در ذیل واژه حیات طیبه<sup>(۱)</sup> تحقق می‌یابد.

در این الگوی مطلوب، جامعه به‌گونه‌ای هدایت و برنامه‌ریزی می‌شود که با تسلط بر فناوری، دانش مدرن و استفاده بهینه از منابع مادی در دسترس، توان تأمین نیازهای اساسی و رفاه عمومی جامعه را داشته و زمینه مناسب را برای تحقق عدالت اجتماعی و نیل به کمالات انسانی در جامعه مهیا می‌نماید.

اصول در برابر فروع، جمع اصل به معنی ریشه‌ها، اساس‌ها و بیخ و بن‌ها. ارکان و پایه‌های هر چیز را گویند. منظور از اصول،

اتفاق می‌افتد و تئوری‌ها پایه‌ریزی می‌شود. تنها جمله‌ای را می‌توان قضیه به حساب آورد که قابل رد یا تأیید باشد و گوینده در آن به نحو مشخصی حکمی را بیان کند. حکم ذهنی را تصدیق می‌گوییم، که قضیه تعبیر لفظی آن است (خوانساری، ۱۳۳۸ ص ۲۹۸). مجموعه‌ای از قضایا هنگامی که با نظم منطقی خاصی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و با برخورداری از سازگاری درونی و ارتباطات علی و معلولی یا تقدم و تأخر علمی، نظام معنایی ویژه‌ای را ارائه می‌نماید که مدل نامیده می‌شود. به عبارت دیگر کشف روابط میان قضیه‌ها و تبیین آن را مدل‌سازی گویند. از روابط و وابستگی میان قضیه‌ها و نسبت آنها با یکدیگر مدل نهایی پژوهش به دست می‌آید.

برای دستیابی به نکات کلیدی که متون داده‌های نظری بر آن تأکید دارند، ابتدا به ادبیات مرتبط با موضوع تحقیق می‌پردازیم.

### ۳- مروری بر ادبیات و مبانی نظری

#### مفهوم شناسی

واژه پیشرفت مبتنی بر رشد و تعالی چند بعدی و حجمی نه سطحی و تک‌ساحتی، فرض شده است که هم رشد متوازن و هم استمرار در تحول، درونزایی و

پایه‌ها، قواعد و قوانینی است که هر علم بر آنها استوار می‌شود (فرهنگ دهخدا).

**اصول پایه‌ای** یک ترکیب وصفی و مرکب است، که مراد از آن در الگوی توسعه اسلامی - ایرانی پیشرفت، ارکان و قواعد اساسی و اصلی می‌باشد که مبانی طراحی الگوی مذکور بر آنها استوار است.

**عناصر کلیدی**، به مفهوم مجموعه‌ای ظرفیت‌ها و قابلیت‌های ملی و ویژگی‌های اجتماعی اطلاق می‌شود. این عناصر در حقیقت همان عوامل کلیدی موفقیت<sup>6</sup> و یا شایستگی‌های کلیدی<sup>7</sup> می‌باشند که در برگزیده عوامل و عناصر ضروری هستند که باید به خوبی شکل داده شوند تا بتوان به آرمان‌ها و اهداف پیشرفت ملی به خوبی دست یافت. این عناصر کلیدی و محوری تحقق اهداف راهبردی الگوی توسعه اسلامی - ایرانی پیشرفت را در ضمن تسهیل، سرعت می‌بخشند.

یک الگوی پیشرفت ملی یا بومی بر اساس قالب هویت هر ملت و جامعه بر مبنای قواعد زیر شکل می‌گیرد:

**الف)** الگوی پیشرفت ملی بیانگر جهت‌گیری‌های پیشرفت یک کشور در بلندمدت می‌باشد و باید دیدگاهی شفاف و

کاربردی از چشم‌انداز توسعه ملی در عرصه جهانی اعلام نماید.

**ب)** این الگو باید در بردارنده جهت‌گیری‌های اساسی و تعیین‌کننده اولویت‌ها در سطح ملی باشد.

**ج)** الگوی پیشرفت ملی باید متکی بر مبانی علمی و در چارچوب اصول و ارزش‌های ملی بوده، ضمن آنکه امکانات و قابلیت‌های سرزمینی، محدودیت‌ها و تنگناهای موجود کشور را نیز در نظر بگیرد.

**د)** طراحی الگوی پیشرفت ملی بر اساس بوم‌شناسی ملی، مبانی تحولات تمدنی و تاریخی، معرفت‌شناسی و زمینه‌های فرهنگی صورت پذیرد.

#### ۴- ضرورت توجه به الگوی بومی پیشرفت

هر طرح و الگوی پیشرفت و توسعه ملی شامل هسته مرکزی در چارچوب برنامه‌های خود است که در طول اجرای آن و پیش رفتن به سوی اهداف نباید در معرض ابطال و انحراف قرار گیرد. در مدل پیشرفت اسلامی - ایرانی، توحید به عنوان هسته مرکزی و سخت این مدل قرار می‌گیرد. و هر فرض دیگری، عنصر یا عامل قابل طرح در این مدل بایستی سازگاری یا عدم سازگاری آنها با عنصر معرفت دینی تحلیل شود. که در

6. Critical Success Factor  
7. Core competency



بومی می‌باشد، که بازخوانی مجدد آن می‌تواند خلاء نظری چارچوب‌های علمی موجود را تا حدودی جبران کند.

مهم آن است که برای ایجاد این الگو متکی به خویش باشیم، ولی با تجربه‌آموزی و استفاده از تجربیات علمی و اجرایی دیگر کشورها اعم از شرقی و غربی که مجبور به تکرار خطا و اشتباهات راه‌های رفته دیگران نشویم. این ضرورت تعامل علمی و استفاده از دانش روز رایج دنیا را ایجاب و اثبات می‌کند.

مهم‌تر از تعریف الگو و مشخص کردن ابعاد آن، برنامه‌ریزی برای اجرای الگوی پیشرفت ملی است. برنامه‌ریزی برای قرار گرفتن در مدار پیشرفت و توسعه ملی پایدار، امروزه یک ضرورت حیاتی است و آن تلاش همه‌جانبه به منظور افزایش ظرفیت‌ها و پویایی‌های نظام ملی در همه ابعاد، و زیرمجموعه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است، تا حدی که نظام ملی قادر به پاسخگویی به نیازهای فزاینده و سازگاری و تعامل با شرایط متغیر داخلی و خارجی شود. باید توجه کرد که دولت، تنها بازیگر در فرایند پیشرفت ملی نیست. در کنار دولت، بازیگران داخلی یعنی بازار، جامعه مدنی، نیروهای سیاسی مخالف، افکار عمومی و همچنین بازیگران بین‌المللی یعنی بازار،

صورت معارض قرار گرفتن، فرض یا عنصر یا عامل واردشده به مدل پیشرفت مورد نظر (اسلامی - ایرانی) با هسته توحیدی، فرض شناخته‌شده از مدل خارج خواهد شد.

جامع‌ترین و کامل‌ترین الگوی موجود پیشرفت اسلامی - ایرانی را برگرفته از مبانی موجود در قانون اساسی می‌داند (پیغامی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۹). به عبارت دیگر او معتقد است که الگوی ملی هر پیشرفتی باید در متن قانون اساسی آن کشور متجلی شود. برای تحقق آن الگو که قانون اساسی به آن تصریح دارد، نیازمند مدل‌های اجرایی فراوان هستیم که بایستی محققان و اندیشمندان به آن توجه کنند.

نکته جالب‌تر و شاید مهم‌تر آن است که طرح موضوع "پیشرفت" در ادبیات سیاست‌های کلی نظام اسلامی ایران به جای توسعه، افق‌های جدیدی فراتر از مبانی "توسعه" را که به شدت متکی بر شاخص‌های اقتصادی و تا حدودی انسانی مورد نظر جامعه علمی رایج غربی می‌باشد، مطرح کرده است و این خود ایجاد فرصتی برای ایجاد اعتماد به نفس در حوزه نقد و نظریه‌پردازی و طرح مبانی مورد نظر آموزه‌های انبیای الهی و معنویت دینی در فضای اندیشه‌های پیشرفت و توسعه ملی و

نهادهای، افکار عمومی بین‌المللی و ... نیز قرار دارند.

از طرفی نیز چشم‌انداز مطلوبی که از منظر آن می‌توان به درک درستی از ماهیت انقلاب اسلامی، اهداف آن دست یافت، این است که بدانیم انقلاب ما برآمده از کوشش تاریخی نسل‌هایی است که از سویی دغدغه و توسعه نیافتگی و گسترش بی‌عدالتی در کشور را داشتند و از سوی دیگر راه‌گذار از این وضعیت نابسامان را در بی‌توجهی به هویت خودی نمی‌دانستند. در تلقی آنها هویت دینی و ایرانی آن مبنای اساسی بود که می‌توانست به عنوان زمینه حرکتی، برای آینده بهتر باشد. این تعلق دوگانه به پیشرفت و هویت خودی، زمینه‌ساز تعبیری از توسعه شد که می‌توان آن را «الگوی بومی پیشرفت اسلامی ایرانی» نامید.

اگر از این چشم‌انداز به انقلاب اسلامی و رسالت تاریخی آن نگاه کنیم، می‌بینیم که در آن یک ارتباط ذاتی میان پیشرفت با عدالت و معنویت برقرار شده است که «پیشرفت همه‌جانبه با نگرش عدالت‌نظام‌مند» و تلاش در راستای تحقق آن، در کانون توجه انقلاب اسلامی، اندیشمندان و راهبردهای آن قرار داشته است.

..... ما در زمانی نه چندان دور هنوز در مرحله‌ای بسیار بالایی از علم و تکنولوژی و تکامل بودیم. مذهب و دانش و تکنولوژی و هنر و ... همه در یک مسیر بودند، (آن هم) در مسیر خدا. هنرمندان قدیمی ما با چه علاقه‌ای آیینه‌کاری، منبت‌کاری، کاشی‌کاری، نگارش آیات قرآن شریف با خط بسیار زیبا بر روی سنگ معماری و ... می‌کردند. همه کارها با اشتیاق، مشارکت و هماهنگی در مسیر تکامل و ... (رفیع پور، ۱۳۷۶، ص ۵۴۸).

جامعه ما هنوز توانش قوی برای ایجاد اصلاحات اساسی در راه تحقق مؤلفه‌های پیشرفت ملی را دارد که رفیع پور به بعضی از آنها نیز اشاره می‌کند (پنج عامل اول). می‌توان از آنها به‌عنوان مجموعه‌ای از عوامل قابلیت‌ساز برای جهش تکامل نظام اجتماعی نام برد:

۱. استقلال سیاسی موجود کشور در همه زمینه‌ها بیش از هر جای دیگری می‌تواند به ما این اجازه را بدهد که بدون دخالت دیگران برای سرنوشت کشور خود تصمیم بگیریم و راه دلخواه را برای رسیدن به هر هدف راهبردی و استراتژیک خود انتخاب کنیم.

یادگار گذارد. غرب به این شیر خفته تمدن ساز بیش از همه آگاهی دارد؛ ملتی که مدنیت آن خارج از چارچوب مدنیت مرسوم و متعارف غربی است و امروز با پتانسیل های «عاشورایی» و «انتظار صالحانه» نیز واکسینه شده است.

۷. ما دارای قوی ترین اندیشه های فلسفی و ادبی در حوزه علوم انسانی هستیم که برخلاف غرب سکولار قادریم با فارابی، بیرونی، ابن سینا، طوسی، مفید، صدوق، سهروردی، ملاصدرا، طباطبایی، امام خمینی (ره) و امام خامنه ای (مد ظله العالی) ... جهان را از دریچه خدا و معنویت الهی انبیاء تحلیل و هدف گذاری کنیم.

۸. کشور ما از یک نظام اجتماعی بسیار پیچیده، با هویت ثابت و پایدار اسلامی ایرانی برخوردار است که علی رغم جذب فرهنگ های دیگر (پویایی فرهنگی) از یک ویژگی هموستاتیک و پایداری در مقابل خودباختگی و هویت گریزی نیز بهره مند می باشد. ایران قادر است که در تحول نوسازی، بر سنت های ملی و دینی خود وفادار باشد؛ چرا که خود، سازنده سنت های اجتماعی و کارآمد خود در هم شکلی و انسجام سازی ملی می باشد.

۲. ما دارای مؤلفه قدرت ملی نظامی بسیار قوی، کارآمد و باتجربه و بسیار ارزشمند هستیم که توانایی مدیریت جنگ های طولانی را در شرایط اقلیمی و جغرافیایی خود با حمایت توده های مردمی دارد. ما اکنون برخوردار از مدیریت جنگی قابل رقابت با غرب هستیم.

۳. کشور ما دارای ذخایر طبیعی زیادی است، که امکان رشد اقتصادی مستقل را به ما می دهد.

۴. توده های مردمی ما دارای یک توانش و پتانسیل قوی هوشی و با احساسی هستند که قادر است در کمترین زمان طی فرایند پدیده انتشار هنجاری برای مقابله با هر خطر و تهدیدی بسیج شوند.

۵. ما دارای مذهبی هستیم که آثار عمیق آن در همه لایه های اجتماعی قابل مشاهده است و سبب شده تا مهم ترین ویژگی ملی ما در طول تاریخ را انسجام مذهبی ما تشکیل دهد.

۶. ایران تجربه تمدن سازی موفق را در سطح جهانی دارد. تمدنی که در آن کوروش ذوالقرنین در منشور حقوق بشر خود افتخار دارد در آن بردگی را براندازد و همه ملل جهان را در ادیان خویش آزاد گذاشته و در خاطره ملل دنیا «معنویت اهورایی» را به

در کنار همه این مؤلفه‌ها باید توجه داشت که الگوی اسلامی ایران پیشرفت ملی و بومی، هم فراهم‌کننده زمینه شکوفایی استعدادها و همه افراد جامعه در ضمن برقراری عدالت اجتماعی و ایجاد فرصت‌های برابر در جهت رشد و ترقی می‌باشد و هم در این فرایند، تأمین خواسته‌های مادی و معنوی (جسمی و روحی) انسان، رشد و تعالی فرد و جامعه در کنار هم و توأمان مطرح است.

## ۵- پیشرفت و ضرورت ارتقاء قابلیت‌ها و ظرفیت‌های نظام ملی

الگوی ملی، بومی پیشرفت مبتنی بر تحرک و پویایی همه ابعاد نظام اجتماعی است و لذا نمی‌توان برای آن یک وجه اختصاصی مثل سیاسی یا فرهنگی قائل شد. هرگونه تلاشی برای صرف انرژی زیاد در یک حوزه به دلیل تعامل سیستمی به سرعت و به شدت به حوزه‌های دیگر کشیده می‌شود و نوعی تقسیم انرژی سیستمی ایجاد می‌کند که هم ناکافی برای کل نظام اجتماعی است و هم به دلیل ناموزونی و تک بعدی اثربخشی لازم را در کل سیستم نظام ملی ایجاد نمی‌کند.

تأکید بر ایجاد زیرساخت‌های محیطی بدون ایجاد انگیزه‌های درونی و انگیزش نمی‌تواند به خودی خود راه یک ملت را برای ایجاد تحول و پیشرفت هموار کند. یک ملت برای برانگیختگی درونی به سوی پیشرفت و تعالی، نیازمند ارزش‌هایی است که او را در یک محیط مستعد با زیرساخت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی به تحرک وادارد. این تحرک بر اساس تئوری دو عاملی (بهداشتی - انگیزشی) هرزبرگ (۱۹۶۸) بر پایه تمایل و اراده ملی برای رشد و ترقی و کسب موفقیت می‌تواند ایجاد شود. به همین دلیل است که فرض رشد درونزا مبتنی بر قابلیت‌های درونی امروز به شدت مورد تأکید اقتصاددانان توسعه نیز است (رابینز، ۱۹۹۷، صص ۷۶-۷۹).

نیازهای ملی می‌تواند خود را در اهداف ملی نشان دهد. همان‌گونه که عامل رفیع نیازهای ارضانده یک فرد را می‌تواند در یک برانگیختگی و تمایل درونی (انگیزش) به سوی کوشش رفتاری بیشتر سوق دهد (رابینز، ۱۹۹۷، ص ۷۲). برجسته کردن اهداف ملی منطبق با نیازهای اجتماعی مردم نیز می‌تواند منجر به ایجاد یک کشش درونی در سطح ملی گردد که پیشرانه بسیار مهم

برای شکل‌گیری اراده دسته‌جمعی در حرکت به سوی تحقق این اهداف است.

توسعه مبتنی بر قابلیت‌های بومی از یک طرف موجب گوناگونی و از طرف دیگر در صورت برآورد شدن نیازهای محسوس و قابل درک نظام اجتماعی موجب یکسانی در اثربخشی الگوهای توسعه و پیشرفت در جوامع بشری می‌گردد. به همین دلیل است که تهرانیان و همکاران تأکید می‌کند که کشورهای کمتر توسعه‌یافته نباید کشورهای توسعه‌یافته را لزوماً به عنوان الگوی آینده خود بپذیرند (تهرانیان و همکاران، ۱۳۵۳، ص ۶).

تأکید بر قابلیت‌سازی ملی به جای رشد درآمدی (توسعه تجویزی) در تحلیل‌های توسعه، همزمان با گسترش مفاهیم انسانی و الهی مقارن با وقوع و تثبیت انقلاب اسلامی در ایران توسط افرادی از جمله مارک هنری (۱۹۸۶)، کوزنتس (۱۹۹۶)، آبراموویتز و دیوید (۱۹۹۶)، آمارتیا سن (۱۹۹۹)، فوکودا (۲۰۰۲)، فلاویو (۲۰۰۱) و محمودی (۱۳۸۵) و قبل از آنها هم راموس (۱۹۸۸) تحت عنوان «محدودیت‌زدایی نظام اجتماعی» نیز مطرح بوده است.

گریفین و مک کنلی (۱۹۹۸) توجه به این معنی (توسعه مبتنی بر رشد قابلیت‌های

توده‌های مردم) را تحولی عمیق در حد یک انقلاب در حوزه اقتصاد توسعه می‌دانند. ارزیابی بر مبنای بسط قابلیت‌های انسانی به جای درآمد سرانه، موجب شده تا آنها هدف نهایی توسعه را بهبود کیفیت زندگی انسان‌ها بدانند و درآمد را به جای هدف به‌عنوان یک ابزار بنگرند که در خدمت هدف توسعه که پرورش قابلیت‌های انسانی و گسترش انتخاب‌های اوست، به کارگیرند (محمودی، ۱۳۸۵، ص ۷۹۶).

مدل توسعه مبتنی بر محدودیت‌زدایی سیستم‌های اجتماعی می‌تواند بر معیار خوداتکایی و نوآوری درون جامعه وابسته باشد. نوگرایی تقلیدی از جوامع صنعتی پیشرفته نمی‌تواند با این مدل سازگار باشد و یقیناً این مدل هر ایده‌ای را که مبتنی بر تکامل خطی فرایند تغییر استوار است، رد می‌کند (هدی، ۱۹۷۸، ص ۹۳).

ساده‌ترین راه محدودیت‌زدایی نظام اجتماعی، نهادینه کردن رویکرد شکل‌گیری و تقویت قابلیت‌های درونی در سطح ملی است. رویکرد قابلیت‌محوری سبب خواهد شد تا موضوع پیشرفت ملی از انحصار توسعه اقتصادی به در آید و با نگاهی همه‌جانبه‌نگر، تمام ارکان نظام اجتماعی را مد نظر قرار دهد.

محمودی معتقد است که اگر به مسئله‌ای همچون فقر (اجتماعی) به جای نگاه از منظر درآمد، از دریچه رویکرد قابلیت بنگریم، آنگاه تعریف، اندازه‌گیری‌ها و سیاست‌های معطوف به فقر به گونه‌ای دیگر تبیین خواهد شد. همچنین اگر به مسئله توسعه به جای نگرستن از زاویه رشد اقتصادی (رشد درآمد ملی)، از منظر قابلیت‌ها بنگریم، خواهیم توانست که تعاریف و راهبردهای متفاوتی را برای توسعه رقم بزنیم (محمودی، ۱۳۸۵، ص ۷۷۵).

حتی در موضوع عدالت اجتماعی هم اگر به جای تحلیل از منظر نابرابری درآمدها، به نابرابری قابلیت‌ها بپردازیم، در این صورت شاخص‌های جدیدی برای آن به وجود خواهد آمد که ساده‌ترین نتیجه آن خروج این مباحث از تفسیر و تحلیل‌های اقتصادی به تحلیل عمیق‌تر موضوعات کلی سیستم‌های اجتماعی خواهد بود.

اگر فقر را آنچنان که محمودی گفته، نداشتن درآمد کافی برای برخورداری از یک سطح حداقل رفاه برای رفع نیازهای اساسی، معنا کنیم (محمودی، ۱۳۸۵، ص ۷۷۷)، در این صورت داشتن درآمد کافی یک قابلیت است که فرد توانسته احراز کند و این قابلیت

می‌تواند برای او توانمندی خروج از شرایط نامطلوب «فقر» را ایجاد کند.

توانایی تبدیل درآمد به قابلیت‌های اجتماعی، از مهم‌ترین چالش‌های جوامع خواهان رشد و پیشرفت به شمار می‌رود؛ از آن جهت که درآمد، ارزشی ابزاری و قابل مشاهده است، ولی قابلیت دارای ارزش ذاتی و درونی است که وجود خود را با امور ارزشمند دیگر از جمله امکان ایجاد تولیدات ملی با مشارکت اجتماعی، انسجام و همبستگی عمومی، انضباط اجتماعی، احترام به قانون در زندگی انسان‌ها نشان می‌دهد. از آنجا که قابلیت‌ها تنها به قابلیت‌های فردی محدود نمی‌شود و شرایط مناسب محیطی و اجتماعی نیز بر کسب قابلیت‌ها مؤثر است، بنابراین نگاه درآمدی، نگاهی ناقص و ناتوان از تعیین قابلیت‌هاست. برخی از قابلیت‌ها در جایی رشد می‌کند که درآمد خانوار و فرد، نقش زیادی در تعیین آن ایفا نمی‌کند (محمودی، ۱۳۸۵، ص ۷۸۱).

برای کاهش آسیب‌پذیری ملی در مواجهه با تهدیدات قدرت‌های مداخله‌گر، قابلیت‌سازی یک ضرورت است. نبود قابلیت‌های ملی، به شدت حوزه انتخاب‌ها را برای خروج از محدودیت‌ها و بن‌بست‌های

ابزار<sup>۹</sup> را برعهده داشته باشد، ابهامی است که بایستی آمارتیا سن بهتر از آنکه در مقاله «توسعه یعنی چه؟» آورده به آن پاسخ دهد. ولی این نکته که او در ارتباط با آزادی به آن پرداخته، یک نوآوری در مباحث توسعه به شمار می‌رود و می‌تواند به‌عنوان مقدمه‌ای برای طرح ارزش‌های مشابه آزادی، در توسعه و پیشرفت ملی مورد استناد قرار گیرد.

## ۶- استنادات و یافته‌ها

### ۶-۱- اصول و عناصر پیشرفت از

#### دیدگاه قانون اساسی ج.ا.ایران

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۷۷ اصل دارد که در چهارده فصل تنظیم شده است. اصول مختلفی از این قانون به آرمان‌ها و اهداف کلان جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. جامعه آرمانی مورد نظر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جامعه‌ای است که در آن بر پایه اصول اساسی اسلام، کرامت و آزادی انسان حفظ و شرایط رشد او در حرکت به سوی نظام الهی فراهم آمده است.

در قانون اساسی عدالت اجتماعی بر رشد اقتصادی تقدم دارد. در این قانون رفع فقر و محرومیت و تأمین نیازهای انسانی

نظام اجتماعی مختصر می‌کند و این به مفهوم افزایش ضریب آسیب‌پذیری می‌باشد.

اگر تنها قابلیت‌های فردی مورد توجه قرار گیرند، اما بستر اجتماعی و محیطی مناسب برای بروز آنها فراهم نباشد، به تعبیر محمودی، رشد قابلیت انسانی با مشکل جدی روبه‌رو خواهد شد (محمودی، ۱۳۸۵، ص ۷۹۰). شرایط محیطی می‌تواند مسائلی نظیر آلودگی آب و هوا، فقدان امکانات زیربنایی و کالاهای عمومی (امنیت، آموزش، بهداشت و...) باشد و شرایط اجتماعی نظیر سیاست‌ها و خط‌مشی عمومی، هنجارهای فرهنگی، تبعیض‌ها و امکان مشارکت اجتماعی و سیاسی، فضای باز سیاسی و آزادی‌های اجتماعی است. تمام اینها در تبدیل قابلیت‌ها به کارکردها (عملکرد ملی) مؤثر هستند.

توجه جدی و علمی به آزادی‌های فردی و اجتماعی در روند توسعه و پیشرفت ملی، توسط آمارتیا سن بررسی شده است. کتاب معروف او به نام «توسعه یعنی آزادی» توانسته به نقش بهتر آزادی در توسعه بپردازد. به زعم وی آزادی هم هدف توسعه و هم ابزار اصلی آن به شمار می‌رود. البته اینکه یک پدیده چگونه می‌تواند دو نقش هدف<sup>۸</sup> و

مورد تأکید قرار گرفته است. جامعه آرمانی مورد نظر قانون اساسی به حاکمیت ملی و استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی تأکید دارد.

محقق تلاش دارد تا قانون اساسی که با کد «پ» نشانه‌گذاری شده، تحلیل مضمونی نموده و مفاهیم، مقوله‌ها و قضایای مدل نهایی خود را به ترتیب زیر استخراج کند. شماره بعد از کد «پ» همان اصل‌های مرتبط با متن مورد استناد است (نمونه‌های از تحلیل مضمون و مفهوم‌سازی در نگاره‌های شماره (۲) و (۳) نشان داده است).

**نگاره شماره (۲) - نمونه تحلیل مضمونی**

**قانون اساسی**

ردیف	متن سند	جهت‌گیری کلی	تمرکز متن	کد
۱	جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به: خدای یکتا، وحی الهی، معاد، عدل خدا، امامت و رهبری مستمر، کرامت و ارزش ولای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا	پایه‌های اساسی (اصول پایه‌ای) حکومت اسلامی	حاکمیت توحیدی، قوانین و حیاتی، معاد، عدالت، امامت و رهبری، کرامت انسانی و آزادی مسئولانه	۲/ب

**نگاره شماره (۳) - نمونه‌ای از مفهوم‌سازی**

**قانون اساسی**

ردیف	مفهوم	مستندات
۱	مردم‌سالاری دینی	ب/۶ و ۷ و ۵۸ و ۵۹ و ۶۲ تا ۷۷ و پ/۱۰۷ تا ۱۰۹ و ۱۱۱ تا و ۱۱۴ و پ/۱۰۰ تا ۱۰۶

**نگاره شماره (۴) - مقوله و قضیه‌سازی**

**اصول پایه‌ای با توجه به مستندات قانون**

**اساسی**

ردیف	قضیه	مقوله	مستندات
۱	اصول پایه‌ای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت جمهوری اسلامی ایران با توجه به مستندات قانون اساسی با دین محوری حاکمیت، کرامت انسانی، امنیت، عدالت، آزادی، رفاه رابطه دارد.	دین محوری حاکمیت	ب/۱ و ۲/پ/۵ و ۵۷ و پ/۱۱۰ و ۴/پ/۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و پ/۱۲ و ۱۳ و ۵/پ/۸۵ و ۹۱ و ۹۴ و پ/۱۱۰ و ۵/پ/۵۷ و پ/۱۰۷ تا ۱۰۹ و ۱۱۱ تا ۱۱۴
		کرامت انسانی	ب/۲ و پ/۱۵۴ و پ/۴۳ تا ۵۵ و پ/۱۴ و پ/۲۹ و ۳۰ و ۳۱
		امنیت	ب/۲ و پ/۳ و پ/۱۵۴ و ۳/پ/۲۰ و ۲۰/پ/۲۷ و پ/۲۲ و ۲۳ و ۲۵ و ۲۶ و ۳۲ تا ۴۰ و ۶۱ و ۹۰ و پ/۱۷۶ و پ/۹ و پ/۸۲ و ۹/پ/۹
		عدالت	ب/۲ و پ/۳ و پ/۲۰ و ۲۷ و پ/۱۵۴ و پ/۱ و پ/۱۴ و پ/۲۰ و ۲۷
		آزادی	ب/۲۴ و ۲۷ و ۴۲ و پ/۹ و پ/۲ و پ/۳ و پ/۲۰ و ۲۷
		رفاه	ب/۴۳ تا ۵۵ و پ/۲۹ و ۳۰ و ۳۱ و پ/۱۰۰ تا ۱۰۶



## نگاره شماره (۵) - مقوله و قضیه‌سازی عناصر کلیدی با توجه به مستندات قانون

### اساسی

ردیف	قضیه	مقوله	مستندات
عناصر کلیدی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت جمهوری اسلامی ایران با توجه به مستندات قانون اساسی با علم‌محوری، مردم‌سالاری دینی، سرمایه، وحدت، هویت اسلامی ایرانی، تعامل سازنده روابط بین‌الملل رابطه دارد.		علم‌محوری	پ/۲ و پ/۳
		مردم‌سالاری دینی	پ/۶ و ۷ و ۵۸ و ۵۹ تا ۶۲ و ۷۷ و پ/۱۰۷ تا ۱۰۹ و ۱۱۱ تا و ۱۱۴ و پ/۱۰۰ تا ۱۰۶
		سرمایه	پ/۸ و پ/۳ و پ/۱۰ و ۲۱
		وحدت	پ/۲ و پ/۱۱ و پ/۹ و پ/۳
		هویت اسلامی ایرانی	پ/۱۵ و ۱۹ و ۴۱ و پ/۱۴
		تعامل سازنده روابط بین‌الملل	پ/۱۵۲ و ۱۵۳ و ۱۴۵ و ۱۴۶ و پ/۱۵۴ و پ/۱۱

چارچوب آن، هدفدار و معنادار می‌کند. این مهم خود را در یک چشم‌انداز مشترک ملی نشان می‌دهد. لازمه یک نگاه فعال و آینده‌ساز، حرکت بر پایه مدیریت این چشم‌انداز است، که بر شناخت وضع موجود و عوامل آن، تحلیل محیط ملی و بین‌المللی، و سرانجام ترسیم چشم‌انداز مطلوب متکی است.

این چشم‌انداز، تصویری از آینده مطلوب را ترسیم می‌کند که هرگاه در ذهن آحاد جامعه جای بگیرد، مسیر تحولات و دگرگونی‌های جامعه را هموارتر می‌کند. در چارچوب چشم‌انداز مطلوب است که برنامه‌ریزی‌ها و حرکت‌های فردی و اجتماعی به سوی آینده آرمانی، جهت‌گیری پیدا می‌کنند.

هدف اصلی در سند چشم‌انداز «تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی» جمهوری اسلامی است. این سند برای حرکت در مسیر یادشده طراحی و تدوین شده است. آرمان واسطه‌ای در این راه، توسعه‌یافتگی جمهوری اسلامی بیان شده است و شرایط اصلی این توسعه‌یافتگی الهام‌بخش بودن در جهان اسلام و برخورداری کشور توسعه‌یافته جمهوری اسلامی ایران از هویت اسلامی و انقلابی در کنار برخورداری از تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌المللی است. در این مسیر، هدف اساسی، رسیدن به جایگاه اول توسعه‌یافتگی در منطقه می‌باشد.

## ۲-۶- اصول و عناصر پیشرفت از دیدگاه چشم‌انداز ج.ا.ایران در افق ۱۴۰۴ ه. ش

تلاش برای دست یافتن به آینده‌ای بهتر، و طراحی و تبیین ویژگی‌ها، و ترسیم موقعیت جامعه‌ای که نسل‌های امروز و آینده، بتوانند آگاهانه و با اتکای به نفس، در مسیر تحقق آن گام بردارند، نه تنها لازمه پویایی و امید مردم این سرزمین است، بلکه برآمده از اصول و آرمان‌هایی است که در اندیشه و فرهنگ اسلامی و انقلابی جای دارد و رویکرد و رفتار دولت و دستگاه اجرایی کشور را در

سند چشم‌انداز بلندمدت توسعه جمهوری اسلامی ایران اساساً با این هدف تهیه و ابلاغ شد که درک مشترکی از آرمان‌های مندرج در قانون اساسی را در میان قوای سه‌گانه به وجود آورد و در عین حال چشم‌انداز روشنی را در پیش پای مسئولان نظام و مردم برای نیل به جامعه آرمانی بگشاید.

محققین تلاش دارند تا چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افاق ۱۴۰۴ را که با کد «ت» نشانه‌گذاری شده که عدد آن نیز شماره اختصاص یافته به متن یا فراز چشم‌انداز مرتبط است، تحلیل مضمونی نموده و مفاهیم، مقوله‌ها و قضایای مدل نهایی خود را به ترتیب زیر استخراج کنند.

نگاره شماره (۶) - نمونه تحلیل مضمونی چشم‌انداز ج.ا.ایران در افاق ۱۴۰۴ ه.ش

ردیف	متن سند	جهت‌گیری کلی	تمرکز متن	کد
۱	اجتماعی و قضایی	اصول و ارزش‌های اسلامی، ملی	توسعه متناسب مقتضیات بومی، ارزش‌ها، مردم‌سالاری دینی، عدالت، آزادی، کرامت انسانی و امنیت اجتماعی	۳/ت
۲	اجتماعی و قضایی	اصول و ارزش‌های اسلامی، ملی	توسعه متناسب مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود و منکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی، با تأکید بر مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها و بهره‌مند از امنیت	۳/ت و ۲/ت و ۶/ت و ۷/ت و ۸/ت و ۴/ت
۳	اجتماعی و قضایی	اصول و ارزش‌های اسلامی، ملی	توسعه متناسب مقتضیات بومی، ارزش‌ها، مردم‌سالاری دینی، عدالت، آزادی، کرامت انسانی و امنیت اجتماعی	۳/ت و ۷/ت و ۹/ت

نگاره شماره (۷) - نمونه‌هایی از

مفهوم‌سازی مستندات چشم‌انداز

ردیف	مفهوم	مستندات
۳	عدالت	۳/ت
۴	آزادی	۳/ت

نگاره شماره (۸) - مقوله و قضیه‌سازی

اصول پایه‌ای با توجه به مستندات

چشم‌انداز

ردیف	قضیه	مقوله	مستندات
۱	اصول پایه‌ای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت جمهوری اسلامی ایران با توجه به مستندات چشم‌انداز با توجیه محوری، عدالت، آزادی، کرامت انسانی، امنیت ملی، رفاه اجتماعی و معنویت رابطه دارد.	توحیدمحوری	۱/ت
		عدالت	۳/ت
		آزادی	۳/ت
		کرامت انسانی	۳/ت
		امنیت ملی	۳ و ۵/ت
		رفاه اجتماعی	۳/ت و ۲/ت و ۶/ت و ۷/ت و ۸/ت و ۴/ت
		معنویت	۳/ت و ۷/ت و ۹/ت

## نگاره شماره (۹) - قضیه‌سازی عناصر کلیدی با توجه به مستندات چشم‌انداز

ردیف	قضیه	مقوله	مستندات
۲	عناصر کلیدی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت جمهوری اسلامی ایرانی با توجه به مستندات چشم‌انداز	هویت اسلامی ایرانی	ت/۲ و ت/۳
	هویت اسلامی ایرانی، تعامل سازنده در روابط بین‌الملل، جهاد مدبرانه و قانونمند، علم‌محوری، سرمایه و مردم‌سالاری دینی رابطه دارد.	تعامل سازنده در روابط بین‌الملل	ت/۱۰ و ۲
		جهاد مدبرانه	ت/۱
		علم محوری	ت/۴ و ۲ و ت/۸ و ۴
		سرمایه	ت/۴ و ۲
		مردم‌سالاری دینی	ت/۹ و ۳

دستیابی انتخاب می‌شوند، تا بتوان در بلندمدت به کمک آنها چشم‌انداز و اهداف ملی مرتبط با آن را محقق ساخت. شاخص‌های عمده برای تعیین سیاست‌های کلی به شرح زیر بیان شده است:<sup>(۲)</sup>

- کلی‌گویی نباشند.
- جهت‌دار، مشخص و شفاف باشند.
- قابل حمل به معانی مختلف نباشند.
- به تناسب نیازهای کشور باشند.
- نسبت به اقتضائات جهانی و داخلی انعطاف‌پذیر باشند.
- عناوین سیاست‌ها محدود باشند.

سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران، مضامینی هستند که پدیدآورنده الزامات و راهبردهای معطوف به بهره‌برداری مطلوب از فرصت‌های پیش روی کشور، به شمار می‌روند. به عبارت دیگر هدف‌ها و سیاست‌های کلی، حلقه مفصلی و هم‌پیوندی پسین و پیشین فرایند برنامه‌ریزی (محورهای اساسی با الزامات و راهبردها) هستند.<sup>(۳)</sup>

سیاست‌های کلی نظام در برنامه چهارم که به موجب اصل ۱۱۰ قانون اساسی از سوی مقام معظم رهبری ابلاغ شد، اساساً ناظر بر نحوه اجرای سند چشم‌انداز بود. این سیاست‌ها در برنامه پنجم به شدت متأثر از

## ۶-۳- اصول و عناصر پیشرفت از دیدگاه سیاست‌های کلی نظام

به موجب اصل یکصد و دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام و همچنین نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام، از وظایف و اختیارات مقام معظم رهبری است. سیاست‌های کلی، راهبردهای عمده و کلانی است که از بین مسیرهای متعدد قابل

گفتمان غالب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ملی می‌باشد.

برای دریافت عناصر متناسب با الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از متن سیاست‌های کلی ابلاغی نظام با کد «ث»، محقق ابتدا تلاش کرده تا با تکیه بر نکات کلیدی موجود در متن سیاست‌های کلی با شماره «۱»، سیاست‌های برنامه دوم با شماره «۲» ابلاغ‌شده در سال ۱۳۷۲، سیاست‌های برنامه سوم با شماره «۳» ابلاغ‌شده در سال ۱۳۷۸، سیاست‌های برنامه چهارم با شماره «۴» ابلاغ‌شده در سال ۱۳۸۲، سیاست‌های برنامه پنجم با شماره «۵» ابلاغ‌شده در سال ۱۳۸۸ و سیاست‌های اصل ۴۴ با شماره «۶» ابلاغ‌شده در سال ۱۳۸۴، مفاهیم، مقوله‌ها و قضایای مدل نهایی خود را به ترتیب زیر استخراج کند.

نگاره شماره (۱۰) - نمونه تحلیل مضمونی

سیاست‌های کلی نظام

ردیف	متن سند	جهت‌گیری کلی	تمرکز متن	کد
۱	قومیت‌ها و اقلیت‌های مذهبی ..... زبان فارسی و جایگاه آن در تقویت وحدت، همبستگی ملیت اسلامی	حفظ همبستگی و فرهنگ و ادب بومی و فارسی	همبستگی و هویت ملی	ث/۱

نگاره شماره (۱۱) - نمونه‌هایی از

مفهوم‌سازی سیاست‌های کلی نظام

نوع سیاست	ردیف	مفهوم	مستندات
سیاست‌های کلی نظام	۱	همبستگی و هویت ملی	ث/۱
	۲	سرمایه اجتماعی و آزادی	ث/۱
سیاست‌های برنامه دوم	۱	رفاه اقتصادی و عدالت اجتماعی	ث/۲
	۲	توجه به ارزش‌های انقلابی و دفاع مقدس	ث/۲
سیاست‌های برنامه سوم	۱	عدالت اقتصادی و اجتماعی	ث/۳
	۲	سرمایه مادی و سرمایه انسانی	ث/۳
سیاست‌های برنامه چهارم	۱	توسعه فرهنگ و معرفت دینی	ث/۴
	۴	امنیت نظامی و دفاعی	ث/۴
سیاست‌های برنامه پنجم	۱	توسعه فرهنگ و ارزش‌های ملی و دینی	ث/۵
	۲	توسعه علمی و فناوری	ث/۵
سیاست‌های اصل ۴۴	۱	کارآمدی مشارکت اجتماعی در اقتصاد ملی	ث/۶
	۲	افزایش سهم مشارکت مردمی در اقتصاد ملی	ث/۶

## نگاره شماره (۱۲) - مقوله و قضیه‌سازی

### اصول پایه‌ای با توجه به مستندات

#### سیاست‌های کلی نظام

ردیف	قضیه	مقوله	مستندات
۱	اصول پایه‌ای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت جمهوری اسلامی ایران با توجه به مستندات سیاست‌های کلی نظام با آزادی، ارزش‌های دینی و انقلابی، معنویت، عدالت، رفاه عمومی، امنیت ملی رابطه دارد.	آزادی	۵/ث و ۱/ث
		ارزش‌های انقلابی و دینی	۳/ث و ۲/ث ۴/ث
		معنویت	۲/ث و ۵/ث و ۳/ث و ۴/ث
		عدالت	۳/ث و ۲/ث و ۱/ث و ۵/ث و ۶/ث
		رفاه عمومی	۱/ث و ۲/ث
		امنیت ملی	۱/ث و ۵/ث و ۳/ث و ۴/ث

## نگاره شماره (۱۳) - قضیه‌سازی عناصر

### کلیدی با توجه به مستندات سیاست‌های

#### کلی نظام

ردیف	قضیه	مقوله	مستندات
۲	عناصر کلیدی الگوی اسلامی ایرانی با توجه به مستندات سیاست‌های کلی نظام با اقتدار اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، هویت اسلامی ایرانی، سرمایه، تعامل سازنده بین‌المللی و علم و فناوری رابطه دارد.	اقتدار همه‌جانبه	۱/ث و ۲/ث ۳ و ۴ و ۵ ۶/ث
		هویت اسلامی ایرانی	۱/ث و ۵/ث
		سرمایه مادی، مذهبی، انسانی و اجتماعی	۲/ث و ۳ و ۱/ث و ۴/ث ۵ و ۶/ث
		تعامل سازنده بین‌المللی	۲/ث و ۳ و ۴ ۵/ث
		علم و فناوری	۳/ث و ۵/ث

## فرجام

از تحلیل مضمون سند راهبردی قانون اساسی، ۲۹ جهت‌گیری و تمرکز متن به دست آمد که با افزودن این مضامین به جدول مفاهیم اولیه، ۲۳ مفهوم به دست آمد. این مفاهیم در ۱۲ مقوله دسته‌بندی و معرفی شدند. از ۱۰ مضمون موجود در چشم‌انداز، تعداد ۱۶ مفهوم و ۱۳ مقوله به دست آمد. در تحلیل اسناد مرتبط با سیاست‌های کلی نظام، تعداد ۵۷ مضمون و مفهوم استخراج شد که در ۱۱ مقوله کلی خلاصه و تغییر یافتند. جدول نهایی مقوله‌ها و مفاهیم اصول پایه‌ای و عناصر کلیدی مطابق نگاره شماره (۱۴) به دست آمده است.

قضیه نهایی پس از تلفیق و ترکیب مقوله‌های مشابه در سه سند راهبردی مذکور در موضوع اصول پایه‌ای و عناصر کلیدی مطابق نگاره‌های شماره (۱۵) و (۱۶) می‌باشد.

### نگاره شماره (۱۴) - جمع‌بندی مستندات

ردیف	ردیف سند	مضمون	مفهوم	مقوله	پایه‌ای اصول	عناصر کلیدی
۳	قانون اساسی	۲۹	۲۳	۱۲	۶	۶
۴	چشم‌انداز	۱۰	۱۶	۱۳	۷	۶
۵	سیاست‌های کلی نظام	۵۷	۵۷	۱۱	۶	۵

نگاره شماره (۱۵) - قضیه‌سازی اصول پایه‌ای با توجه به مستندات راهبردی نظام

نگاره شماره (۱۶) - قضیه‌سازی عناصر کلیدی با توجه به مستندات قانون پایه‌ای

ردیف	قضیه	مقوله	مستندات
	اصول پایه‌ای الگوی اسلامی پیشرفت جمهوری اسلامی ایران	دین محوری حاکمیت	۱/پ و ۲/پ و ۵/پ و ۵۷/پ و ۱۱۰/پ و ۱۶/پ و ۱۷/پ و ۱۲/پ و ۱۳ و ۱۱۰/پ و ۸۵/پ و ۹۱ و ۹۴ و ۱۱۰/پ و ۵/پ و ۵۷/پ و ۱۰۷/پ تا ۱۰۹ و ۱۱۱ تا ۱۱۴ و ۱/ت و ۲/ت و ۳/ت و ۴/ت
	کرامت انسانی	کرامت انسانی	۲/پ و ۲/پ و ۱۵۴/پ و ۴۳/پ تا ۵۵ و ۱۴/پ و ۲۹/پ و ۳۰ و ۳۱ و ۳/ت
	امنیت	امنیت	۲/پ و ۳/پ و ۱۵۴/پ و ۲۲/پ و ۳/پ و ۲۰/پ و ۲۷ و ۲۳ و ۲۵ و ۲۶ و ۳۲ تا ۴۰ و ۶۱ و ۹۰ و ۱۷۶/پ و ۹/پ و ۸۲/پ و ۹/ت و ۵/ت و ۳ و ۱/ت و ۵ و ۲/ت و ۳ و ۴
	عدالت	عدالت	۲/پ و ۳/پ و ۲۰/پ و ۲۷ و ۱۵۴/پ و ۱/پ و ۱۴/پ و ۲۰/پ و ۲۷ و ۳/ت و ۳/ت و ۲/ت و ۱/ت و ۵/ت و ۶/ت
	آزادی	آزادی	۲۴/پ و ۲۷ و ۴۲ و ۹/پ و ۲/پ و ۳/پ و ۲۰/پ و ۲۷ و ۳/ت و ۱/ت و ۵/ت
	رفاه	رفاه	۳۰ و ۲۹/پ و ۵۵ تا ۴۳/پ و ۳۱ و ۱۰۰/پ تا ۱۰۶ و ۳/ت و ۲ و ۶/ت و ۷ و ۸/ت و ۲ و ۴ و ۱/ت و ۲
	معنویت	معنویت	۷/ت و ۹/ت و ۲/ت و ۵/ت و ۳/ت و ۴/ت

ردیف	قضیه	مقوله	مستندات
	عناصر کلیدی الگوی اسلامی ایران پیشرفت جمهوری اسلامی ایران با توجه به مستندات راهبردی نظام با علم محوری، مردم‌سالاری دینی، سرمایه، وحدت، هویت اسلامی ایرانی، تعامل سازنده بین‌الملل و اقتدار همه‌جانبه رابطه دارد.	علم محوری	۲/پ و ۳/پ و ۴/ت و ۲ و ۸/ت و ۲ و ۴ و ۳/ت و ۵/ت و ۱/ت و ۲/ت و ۳ و ۴ و ۵ و ۶/ت و ۱/ت و ۲/ت و ۵/ت و ۶/ت
		مردم‌سالاری دینی	۶/پ و ۷ و ۵۸ و ۵۹ و ۶۲ تا ۷۷ و ۱۰۷/پ تا ۱۰۹ و ۱۱۱ تا ۱۱۴ و ۱۰۰/پ تا ۱۰۶ و ۹/ت و ۳
		سرمایه	۸/پ و ۳/پ و ۱۰/پ و ۲۱ و ۴/ت و ۲ و ۳ و ۱/ت و ۴/ت و ۵ و ۶/ت
		وحدت	۲/پ و ۱۱/پ و ۹/پ و ۳/ت
		هویت اسلامی ایرانی	۱۵/پ و ۱۹ و ۴۱ و ۱۴/پ و ۲/ت و ۳/ت و ۱/ت و ۵/ت
		تعامل سازنده بین‌المللی	۱۵۲/پ و ۱۵۳ و ۱۴۵ و ۱۴۶ و ۱۵۴/پ و ۱۱/ت و ۱۰/ت و ۲ و ۳ و ۴ و ۵/ت
		اقتدار همه‌جانبه	۱/ت و ۲/ت و ۳ و ۴ و ۵ و ۶/ت

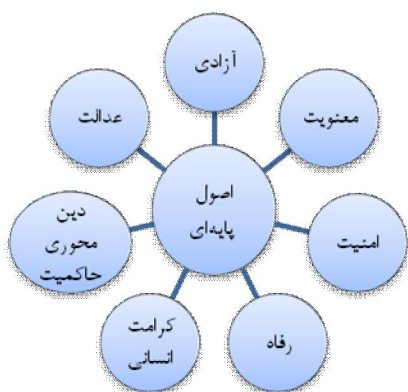
اعتبارسنجی روایی و پایایی

ارزیابی روایی نتایج تحقیق، بعد از جمع‌بندی قضیه‌های تحقیق و ارائه قضیه

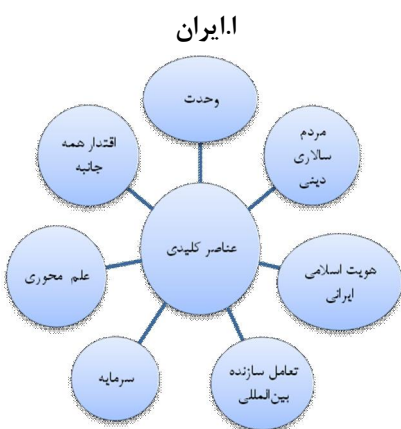
اصول پایه‌ای و عناصر کلیدی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت از منظر اسناد فرادستی نظام ج.ا.ایران

- کلی به این صورت انجام می‌گیرد که در روش داده‌بنیاد مفاهیم، مقوله‌ها و قضیه‌ها به ترتیب به کمک کدهای به دست آمده، حاصل از مراحل سه‌گانه کدگذاری، باز، محوری و انتخابی، مشخص شده‌اند که در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، خود نوعی اعتبار و روایی بخشی به تحقیق به شمار می‌رود (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶، ص ۸۸).
  - از طرفی نیز به منظور ارزیابی پایایی تحقیق، چهار معیار معروف پارکر و رافی (۱۹۹۷) یعنی تطبیق، قابلیت فهم، قابلیت تعمیم و کنترل فرآیند نظریه‌پردازی، نتایج نهایی تحقیق حاضر به شرح زیر مورد سنجش قرار گرفته شده است:
  - برای سنجش معیار تطبیق روند انجام گرفته در یافته‌های تحقیق، نشان می‌دهد که مفاهیم از داده‌های بررسی شده، تولید شده‌اند.
  - برای قابلیت فهم کردن نظریه، روند تحلیل و پردازش داده‌های متنی تحقیق نشان می‌دهد که مفاهیم تشخیص داده شده به شکلی نظام‌مند به هم مرتبط شده‌اند و میان آنها پیوندهای مفهومی برقرار تا مقوله‌ها به خوبی به کمک آنها استخراج شود.
  - برای ارزیابی قابلیت تعمیم بودن نظریه تلاش شده تا ساختار نظریه بر اساس مبانی معرفت‌شناسی حاکم بر مستندات راهبردی نظام اسلامی ایران شکل گیرد.
  - کنترل فرآیند نظریه‌سازی برای حصول اطمینان از اینکه یافته‌های نظری به ارائه نظریه با اهمیت ختم شده را می‌توان به صورت زیر بیان کرد که : اتصال یا تطبیق روشنی بین مقوله‌ها و داده‌های خام وجود دارد.
  - نظریه ارائه شده، نتیجه یک تبیین مفهومی در فرآیند مورد مطالعه است.
  - نظریه، براساس تبیین متون واقعی و با یک فرآیند پایه، مناسبت عملی دارد.
  - اگر شرایط تغییر کند یا پژوهشگر داده‌های بیشتری جمع‌آوری کند، نظریه قابلیت اصلاح را دارد.
  - پژوهشگر تلاش کرده است تا مقوله‌ها را به هم مرتبط کند و سپس به وسیله قضیه‌ها، مدل مورد نظر را ارائه نماید.
- طرح نظریه و مدل‌سازی**
- دو قضیه به دست آمده نهایی بالا بیانگر حکم ذهنی یا یک قضیه کلی است که به نحو مشخصی حکمی را مبنی بر ایجاد رابطه میان اصول پایه‌ای و عناصر کلیدی به دست آمده از نتایج تحلیل مضمونی داده‌های

نمودار شماره (۲) - مدل اول اصول پایه‌ای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ج.ا.ایران



نمودار شماره (۳) - مدل دوم عناصر کلیدی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ج.ا.ایران



### توصیه‌ها و پیشنهادات

- با توجه به نتایج به دست آمده و استنتاج عمومی (کلی) می‌توان پیشنهاد نمود که:
- الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ج.ا.ایران که قرار است طراحی و پیاده‌سازی

تحقیق با مستندات راهبردی نظام بیان می‌کند. دو قضیه کلی پی از سنجش و ارزیابی روایی و پایایی قابلیت تبدیل به نظریه و مدل نهایی تحقیق را دارد.

پس از جمع‌بندی، ترکیب و تلفیق نهایی و حذف موارد مشابه اصول و عناصر به دست آمده، نتیجه نهایی تحقیق استخراج ۷ مورد اصول پایه و ۷ مورد عناصر کلیدی، از الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت جمهوری اسلامی ایران مطابق نظریه و مدل نهایی زیر است:

**اصول پایه‌ای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت ج.ا.ایران**

نظریه اول: اصول پایه‌ای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت جمهوری اسلامی ایران با توجه به اسناد فرادستی نظام عبارت از دین محوری حاکمیت، کرامت انسانی، امنیت، عدالت، آزادی، رفاه و معنویت می‌باشد.

**عناصر کلیدی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت ج.ا.ایران**

نظریه دوم: عناصر کلیدی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت جمهوری اسلامی ایران با توجه به اسناد فرادستی نظام عبارت از علم محوری، مردم‌سالاری دینی، سرمایه (مادی، انسانی، اجتماعی و مذهبی)، وحدت، هویت اسلامی ایرانی، تعامل سازنده بین‌المللی و اقتدار همه‌جانبه می‌باشد.



## منابع فارسی

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دانشگاه سمنان، ۱۳۸۸/۲/۷ و در جمع نخبگان کشور الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ۱۳۹۰/۲/۱۳
۲. پیغامی، عادل (۱۳۸۹)، *الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، رویکردها و راهبردها*، گفتگوی علمی در مجله راهبرد بومی دانشگاه عالی دفاع ملی، سال یازدهم، شماره ۱۰۴
۳. تهرانیان، مجید و همکاران (۱۳۵۳)، *تنگناهای اجتماعی توسعه ملی ایران چارچوب یک طرح پژوهشی*. تهران. سازمان مدیریت صنعتی. چاپ اول.
۴. خوانساری، محمود (۱۳۸۲)، *منطق صوری*، انتشارات آگاه، چاپ بیست و پنجم.
۵. دانایی فرد، حسن و سید مجتبی امامی (۱۳۸۶)، *استراتژی‌های پژوهش کیفی - نظریه پردازی داده بنیاد، اندیشه مدیریت*، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان.
۶. رابینز (۱۳۸۸)، *مبانی رفتار سازمانی*، ترجمه علی پارسائیان و سید محمد اعزامی تمدن، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی چاپ بیست و پنجم.
۷. رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۴)، *توسعه و تضاد*، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ ششم.
۸. سن، آمارتیا کی (۱۳۸۵)، *توسعه یعنی آزادی*. ترجمه محمدسعید نوری. تهران. نشرنی. چاپ دوم
۹. سن، آمارتیا کی (۱۳۸۳)، مقاله توسعه یعنی چه، در *پیشگامان اقتصاد توسعه*.
۱۰. گریفین، کیت وتری، مک کنلی (۱۳۸۴)، *توسعه انسانی؛ دیدگاه و استراتژی*، ترجمه غلامرضا خواجه پور. تهران. انتشارات وداد. چاپ اول

شود، بهتر آن است که مبتنی بر اصول پایه‌ای زیر باشد:

- **دین محوری حاکمیت، کرامت انسانی، امنیت، عدالت، آزادی، رفاه و معنویت**
- **عناصر کلیدی الگوی اسلامی ایرانی** مورد نظر مستندات فرادستی نظام به منزله پیشرانه یا موتور محرکه تحقق اهداف پیشرفت الگوی اسلامی ایرانی به شمار می‌رود که نتایج تحقیق این عناصر را به صورت زیر پیشنهاد می‌کند:
- **علم محوری، مردم‌سالاری دینی، سرمایه (مادی، انسانی، اجتماعی و مذهبی)، وحدت، هویت اسلامی ایرانی، تعامل سازنده بین‌المللی و اقتدار همه‌جانبه**

## پانویس‌ها

۱. ... من عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثِيَ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً ..... (نحل ۹۷) ... هر کس از مرد یا زن کار شایسته کند و مؤمن باشد قطعاً او را در زندگی حیات طیبه می‌بخشیم .....
۲. ر.ک به سیاست‌های برنامه‌های سوم از سوی مقام معظم رهبری ۱۳۸۷/۱/۱۹
۳. ر.ک: به مبانی نظری و مستندات برنامه چهارم توسعه، ۱۳۸۳، معاونت امور اقتصادی و برنامه‌ریزی

کلان

۱۱. مارک هنری، پاول (۱۳۷۴)، *فقر پیشرفت و توسعه*، ترجمه مسعود محمدی، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول
۱۲. *مبانی نظری و مستندات برنامه چهارم توسعه*، (۱۳۸۳)، معاونت امور اقتصادی و برنامه‌ریزی کلان
۱۳. محمودی، وحید (۱۳۸۵)، «مفهوم قابلیت در تحلیل‌های اقتصادی»، در: *توسعه اقتصادی ایران*. ج ۲. محمدباقر نوبخت. تهران مرکز تحقیقات استراتژیک. چاپ دوم.
۱۴. هدی، فول (۱۳۸۵)، *مدیریت در کشورهای در حال توسعه*. در: *مدیریت عمومی (چشم انداز تطبیقی)*، ترجمه حسن دانایی‌فرد. در: *کتاب پروکراسی و توسعه در ایران*، ابوالحسن فقیهی و حسن دانایی‌فرد. تهران. مؤسسه خدمات فرهنگی رسا. چاپ اول.
۱۵. یآوری، وحید و همکاران (۱۳۸۹)، *پیشرفت و عدالت در اندیشه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری در مبانی نظری برنامه پنجم*، تهران، مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع).

### منابع لاتین

16. Creswell, J. W. (2005) , *Educational Research: Planning, Conducting, and Evaluating*, Quantitative and Qualitative Research (2nd edition).
17. Strauss, Anselm L., & Corbin, Juliet (1990), *Basics of Qualitative Research: Grounded Theory Procedures and Techniques*, Sage.
18. Abramowitz, Moses (1989) , *Catching Up, Forging Ahead and Falling Behind*, *Journal of Economic*